

روحانی مخالفان لویاج مرتبط با FATF را به زمینه‌سازی

برای تشدید تحریم‌ها متهم کرد

سرایت استدلال‌های برجامی به FATF

صفحه ۲

سه‌شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۸ | اول‌رجب ۱۴۴۱ | ۲۵ فوریه ۲۰۲۰ | سال‌دوازدهم | شماره ۲۸۷۵ | صفحه ۸ | ۱۳۰۰ تا۱۳۰۸

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

فصل پنجم

با موافقت پادشاه مالزی، نخست‌وزیر تغییر کرد

استعفای ماهاتیر محمد

صفحه ۷

۱۳۸۱ سال و ۱۱۱ روز گذشت |



خوآن ماه مایرک- رجب وولادت حضرت امام باقر العلوم علیه‌السلام را شاد باین می‌گویم

نمایندگان مجلس کلیات بودجه ۹۹ را در صحن علنی مجلس رد کردند

بودجه قرنطینه شد

- ۱۳۰ هزار میلیارد تومان کسری احتمالی برای لایحه بودجه سال ۹۹ برآورد شده است
- کارشناسان و نمایندگان مجلس: درآمد ۵۰ هزار میلیارد تومانی از فروش اموال دولتی محقق نمی‌شود
- مرکز پژوهش‌های مجلس: این لایحه منجر به چاپ پول یا معامله سیاسی می‌شود

صفحه ۳



بیم و امید کرونا

آمار مبتلایان به کرونا تا ظهر دیروز

به ۶۴ نفر و قربانیان به ۱۲ نفر رسید

ترخیص ۲۲ بیمار بستری شده مبتلابه کرونا

از بیمارستان‌های قم و تهران

ضعف مدیریت بحران

و فرهنگ‌سازی عمومی مشهود است

قم به لحاظ وضعیت بحران

نیاز مند توجه فوق‌العاده مسؤلان است

صفحه ۴

۱/۳ درصد عدم آزادی و دموکراسی و ۱/۲ درصد درآمد کم دانسته‌اند. این عدم مشارکت را به لحاظ تاریخی می‌توان در افت محسوس انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۲ نیز مشاهده کرد. زمانی که دولت هاشمی‌فسنجانی با دست فرمان توسعه اقتصادی، مستضعفان را شهروندان درجه ۲ جامعه به حساب آورد و آنها که آسیب‌دیدگان نادیده‌گرفته‌شدگان سیاست‌گذاری‌ها بودند، اولین مواجهه خود را با عدم شرکت در انتخابات و رأی‌دهی نشان دادند. آن دوره با ۵۰/۶۶ درصد پایین‌ترین مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را ثبت کرد. ورق زدن تاریخ نشان می‌دهد پس از آن انتخابات ادامه سیاست‌های توسعه‌یافته بود که شورش‌های اجتماعی مشهده، اسلام‌شهر، شیراز، اراک، اصفهان و... اتفاق افتاد که در متن همه آنها مردم حاشیه حضور داشتند. از ابتدای سال ۹۲ نیز دولت روحانی را کوچک شده‌ای از دولت هاشمی با همان دست‌فرمان می‌دانستند، با این تفاوت که روحانی حتی نمی‌تواند اتفاقات خوب هاشمی را رقم زند و فقط از آن دولت، آسیب‌هایش را برای جامعه باقی می‌گذارد؛ آسیب‌هایی که حالا می‌توانیم به وضوح آن را در فاصله‌گذاری قشر مستضعف به پای کارترین افراد برای نظام بوهاند، با مهم‌ترین اقدام یعنی مشارکت سیاسی در حکومت یعنی انتخابات مشاهده کنیم.

برآوردهای میدانی نشان می‌دهد اگر چه آرای انتخابات در کل پایین آمده است اما نسبت به عموم صندوق‌ها، آرای شعب حاشیه، جنوب شهر و مناطق مستضعف شهر بیش از پیش کم شده است. در این موقعیت‌ها شاید مهم‌ترین نقد به رفتار سیاسی موجود است که نتوانسته پایگاه‌های رأی مختلف اعم از سیاسی (اصطلاح‌طلبی و اصولگرایی)، اقتصادی (شمال شهر، جنوب شهر) و... را فعال کند. دوره گذشته انتخابات این جمع‌بندی وجود داشت که «امر اجتماعی» از «امر اجتماعی» عقب افتاده است و ساختارهای تصمیم‌باز باید مبتنی بر «امر اجتماعی» و مطالبات مردم بنا شود اما همچنان ساختار بر امر سیاسی و گروه‌ها و احزاب سیاسی جلو رفت و بالا رفتن آرای مستقلان را می‌شود ناظر به توجه همین امر اجتماعی دیده، اگرچه این مستقلان کمتر از امکان امر اجتماعی می‌دهد مسئله عدم اقبال به انتخابات با توجه به همین صورت می‌ماند». در این نظرسنجی ۴۲/۹ درصد افراد در استان تهران گفته‌اند اگر تا ایام انتخابات وضع اقتصادی کشور بهتر شود، در انتخابات مجلس شرکت می‌کنند این نظرسنجی نشان می‌داد ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان علت اصلی ناراضی‌ت‌ خود را وضعیت کشور را افزایش قیمت (گرای)، ۱۶/۵ درصد اقتصاد کشور، ۶/۵ درصد بی‌تدبیری مسؤلان، ۶/۱ درصد اشتغال، ۲/۲ درصد معیشت، ۲/۹ درصد عدم شفافیت مسؤلان و دروغگو بودن مسؤلان، ۲ درصد فساد اقتصادی و اختلاس، ۱/۷ درصد اهمیت ندادن به مردم،

۱/۳ درصد عدم آزادی و دموکراسی و ۱/۲ درصد درآمد کم دانسته‌اند. این عدم مشارکت را به لحاظ تاریخی می‌توان در افت محسوس انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۲ نیز مشاهده کرد. زمانی که دولت هاشمی‌فسنجانی با دست فرمان توسعه اقتصادی، مستضعفان را شهروندان درجه ۲ جامعه به حساب آورد و آنها که آسیب‌دیدگان نادیده‌گرفته‌شدگان سیاست‌گذاری‌ها بودند، اولین مواجهه خود را با عدم شرکت در انتخابات و رأی‌دهی نشان دادند. آن دوره با ۵۰/۶۶ درصد پایین‌ترین مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را ثبت کرد. ورق زدن تاریخ نشان می‌دهد پس از آن انتخابات ادامه سیاست‌های توسعه‌یافته بود که شورش‌های اجتماعی مشهده، اسلام‌شهر، شیراز، اراک، اصفهان و... اتفاق افتاد که در متن همه آنها مردم حاشیه حضور داشتند. از ابتدای سال ۹۲ نیز دولت روحانی را کوچک شده‌ای از دولت هاشمی با همان دست‌فرمان می‌دانستند، با این تفاوت که روحانی حتی نمی‌تواند اتفاقات خوب هاشمی را رقم زند و فقط از آن دولت، آسیب‌هایش را برای جامعه باقی می‌گذارد؛ آسیب‌هایی که حالا می‌توانیم به وضوح آن را در فاصله‌گذاری قشر مستضعف به پای کارترین افراد برای نظام بوهاند، با مهم‌ترین اقدام یعنی مشارکت سیاسی در حکومت یعنی انتخابات مشاهده کنیم.

ادامه در صفحه ۲

توصیه‌ای به منتخبان مجلس یازدهم

لطفاً به «حاشیه» بروید!

تحت عنوان «اینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۶» منتشر کرد. در این پژوهش به مباحثی مانند ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی، بحران تامین آب، بیکاری، فساد سیستمی، ناامیدی درباره آینده، سرمایه اجتماعی و بحران ریزگردها پرداخته شده است. در صفحه ۷۵ این پژوهش درباره ناامیدی مردم ایران به آینده آمده است: «ناامیدی نسبت به آینده، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد فشار روانی بر توده مردم است. بر اساس یافته‌های سنجش ملی سرمایه‌های اجتماعی در سال ۹۴ تنها حدود ۲۴ درصد مردم کشور، آینده را بهتر ارزیابی می‌کنند و حدود ۷۵ درصد از مردم معتقدند آینده بدتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند». نکته دیگر اینکه در این پژوهش درباره نتایج مشارکت نخبگان نیز آمده است: «تنها ۸ درصد از خبرگان، وضعیت سال آینده را بهتر ارزیابی کرده‌اند. این آمار برای شهروندان تنها حدود ۹ درصد است. در سطح کلان و عینی مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر ناامیدی نسبت به آینده در بین جوانان، اشتغال و مساله ازدواج است.»

ناکارآمدی دولت از ۳ سال قبل ناامیدی فرآیندهای را برای مردم به‌وجود آورده است که در این مسیر اتفاقات دی‌ماه ۹۶ و یک سال پر فشار اقتصادی با نقطه عطف گران شدن بنزین و اتفاقات آبان ۹۸ را نیز باید مدنظر قرار دهیم. برای عموم حاشیه این معادله ۲ وجه دارد؛ دولتی که ناکارآمد بوده است و مجلسی که رأس امور نبوده و در مواجهه با ناکارآمدی دولت فشل بوده است.

حضور حاشیه‌نشینان در هر انتخاباتی از سال ۹۲ به بعد کمتر و کمتر شده است، اتفاقی که از سوی سیاستمداران و سیاست‌گذاران جدی گرفته شده است، شاید اگر ابعاد ماجرا برای نمایندگان مجلس یازدهم تشریح شود، دلیل این قهر گسترده حاشیه‌نشین‌ها بیشتر مشخص شود و آنها با این نگاه به مسائل نگاه کنند، سال ۹۲ خط فقر رقمی حدود ۸۰۰ هزار تومان بود، این در حالی است که برای امسال این شاخص بر اساس آمارهای رسمی بین ۴ تا ۵ میلیون تومان بوده و با توجه به آمارهای غیررسمی به ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای کلانشهر تهران رسیده است. اگر این اعداد را در برابر دریافتی کارگران که عمده ساکنان حاشیه را تشکیل می‌دهند قرار دهید، به عمق فاجعه بی‌می‌برید. در حالی رقم خط فقر افزایش یافته است که با فشار و دعاو حقوق پایه کارگران در سال ۹۸ به یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان رسید و مزد کارگران از ۳ میلیون تومان فراتر رفته است. از سوی دیگر سال ۹۷ تنها میزان سبد معیشت برای یک خانواده ۳ نفری با حداقل هزینه زندگی، ۲ میلیون و ۶۶۹ هزار و ۸۰۰ تومان و سال ۹۸ تا حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تعیین شده بود.

حاشیه‌نشینان امید به تصمیم‌گیران در بهارستان نداشته‌اند، چون هر سال وضعیت‌شان بد و بدتر شده است؛ جامع‌های که برآوردهای آماری وزارت

بناوند، امروز وجود ندارد». یا سردبیر هفته‌نامه صدا که عضو حزب تندرو اتحاد ملت است؛ گفت: «از روحانی عبور نکردیم؛ پایگاه خود را از دست دادیم... اینکه صلاحیت این عده از اصلاح‌طلبانی که ثبت‌نام کرده‌اند تأیید می‌شود یا خیر، بحث دیگری است. همین‌هایی هم که آمدند با هزار درخواست و نامه و به‌واسطه خاتمی و تلفن و به اصطلاح من بهیرم و تو بهیرمی به میدان آمده‌اند. دلیل این بی‌انگیزگی هم این است که بدنه اجتماعی را از دست داده‌اند. اگر در حال حاضر هم مانند گذشته با سوت خاتمی ۲-۳ میلیون نفر در تهران رای می‌دادند، امروز بین کشتو کشتار بود». حتی مجید انصاری، مهم‌ترین اصلاح‌طلبان برای ثبت‌نام کردن و در لیست رفتن عضویت‌کنندگان بود. در پروسه انتخابات گفت: «تیس دولت اصلاحات و مشاورانش در جمع‌بندی آنها تصریح کرده بودند به‌طور مشخص ۱۱۰ نفر از فعالان اصلاح‌طلب در انتخابات ثبت‌نام کنند ولی به‌رغم تأکید خاتمی از جمع ۱۱۰ نفری مورد اشاره، تنها ۵ نفر ثبت‌نام کردند!»

در طرف مقابل «لیست وحدت» به لحاظ تعداد آرای لیست، تفاوت چندانی با لیست اصولگرایان در دوره پیش ندارد؛ تنها تفاوت، رشد آرای سرلیست و جذب بخشی از گرایش‌های دیگر توسط وی بوده است. اما آنچه تغییر محسوس در سید آرای انتخابات در تهران و دیگر شهرهای کشور ایجاد کرده است، خاموش شدن هر چه بیشتر سید حاشیه و مناطق جنوب شهر است که طبقات کارگری و مستضعف اقتصادی در آن حضور دارند. اصولگرایان در دوره پیش انتخابات که افزایش مشارکت سیاسی در آن پروژه در تهران رشد محسوس داشت هم نتوانستند آرای جنوب تهران را فعال کنند. افزایش ۳۰ درصدی مشارکت در انتخابات دوره قبل در تهران در حالی بود که بیشتر این افزایش معطوف به صندوق‌های شمال تهران و مختص اصلاح‌طلبان بود و این در حالی است که حدود ۵۰ درصد مردم تهران در انتخابات شرکت نکردند و حداقل ۴۲ درصد رای‌دهنده‌ها لیستی رای ندادند. این رشد حدود ۳۰ درصدی مشارکت در تهران خود باعث شد متوسط آرای فهرست اصلاح‌طلبان در تهران ۲۶/۲۳ درصد از کل آرای ماخوذه باشد. در حالی که متوسط آرای فهرست اصولگرایان، ۲۲/۷۵ درصد از کل آرای ماخوذه بود. با آن ترکیب آرای مشخص بود آرای خاموشی که حاضر نشدند پای صندوق‌های رای بایند، مختص جنوب شهر هستند که می‌توانستند پایگاه اصلی رأی اصولگرایان باشند و آنها را پیروز رقابت تهران کنند اما عدم ارتباط‌گیری این قشر با بدنه رای در جنوب تهران آنها را ناکام گذاشت.

چرا «حاشیه‌نشین‌ها» پای صندوق‌ها نیامدند؟ همچنان که در ابتدای گزارش اشاره شد، باید مسائل را چندعاملی دید اما برخی گزاره‌ها می‌تواند جهت‌ده خوبی برای تحلیل باشد. مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری، سال ۹۵ گزارشی را

میکائیل دبانلی: انتخابات

تحلیل
پایان رسید و نتایج آن نیز مشخص شد اما تحلیل انتخابات، نتایج و پیامدهای آن نباید از نظر مغفول بماند. نتایج انتخابات و پیام‌های آن باید هم برای نمایندگان که از چند ماه دیگر در خانه ملت مستقر می‌شوند و هم برای بوه مجریه که تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران اصلی جامعه هستند، روشن شود. نرخ مشارکت سیاسی مردم در انتخابات مجلس یازدهم به نسبت ادوار برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی، پیمایی چندوجهی و چندلایه دارد که نباید تک‌عاملی قضاوت شود. آنچه در ادامه می‌آید تحلیلی است از عوامل مؤثر بر برگزاری انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و نتیجه آن. **چه کسانی رای دادند؟ چه کسانی رای ندادند؟**

بررسی انتخابات و نتیجه آرا در تهران و کلانشهرهای کشور نشان می‌دهد یک الگویرتن مذکور متناوب ساخته‌اند چندان مشخص نیست. این تفکیک‌پذیری نه‌تنها در فرآیند مدیریت بحران پیش‌آمده اهمیت فراوانی دارد، بلکه در تحلیل عملکرد رسانه‌ها و رفتار مردم نیز در مواجهه با بحران کرونا یک ضرورت تلقی می‌شود، چرا که با این تفکیک‌پذیری قادر به تشخیص رویکردها و راهبردهای رسانه‌ای در مواجهه با بحران پیش‌آمده می‌شویم. اینکه رسانه‌ها با اولین نشانه‌های بروز بحران و حتی پیش از اینکه این مخاطره در کشور تبدیل به بحران شود (پیش از ورود کرونا به کشور) به احتمال وقوع آن فکر کرده و برنامه‌ای از پیش تعریف‌شده داشته باشند، نشان از راهبرد فعال و فوق‌فعال یک رسانه و رویکرد تعامل آن دارد که خود حاکی از مترقی بودن عملکرد رسانه در مواجهه با بحران است اما چنانچه رسانه‌ها در مواجهه با بحران پس از واکنش اجتماع و رفتار عمومی جامعه اقدام به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی کرده باشند، حاکی از رویکرد واکنشی و راهبرد انفعالی آنهاست که ضمن اینکه بیانگر پس‌ماندگی رسانه‌ای در مواجهه با بحران است، نقطه منفی مهمی در عملکرد رسانه‌ای آن رسانه تلقی می‌شود. خوشبختانه رفتار رسانه‌های کشور در مواجهه با وقوع بحران کرونا در کشور از نوع راهبرد فعال و رویکرد تعاملی است یعنی با سرعت مطلوب اقدام به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در این زمینه کرده و با تهیه گزارشات و مصاحبه‌های تخصصی اقدام به اطلاع‌رسانی جامع و صحیح پیرامون بحران به وقوع پیوسته کردند. اما آنچه در این بین نیازمند تأمل و توجه است، رعایت توازن و تعادل میان اخبار منفی و مثبت پیرامون بحران است. یعنی اگر چه رسانه‌ها به حکم مسؤولیت اجتماعی‌شان، وظیفه اطلاع‌رسانی سریع، صحیح و جامع بحران را دارند، لکن با اتکا به همان مسؤولیت، وظیفه حفظ و صیانت از روان عمومی جامعه را نیز دارند. به عبارتی، اطلاع‌رسانی در این زمینه و هر بحران دیگری باید با استفاده از تکنیک واقع‌نمایی...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

مدیریت بحران؛ تعادل میان اخبار مثبت و منفی

بروانه پیش‌سنمایی: در بی ظهور و فراگیری ویروس کرونا در کشور و انتشار اخبار مرتبط با این بیماری جدی، فضای رسانه‌ای کشور نیز همانند فضای عمومی جامعه ملتهب شد، به گونه‌ای که تأثیر و تاثر این ۲ پدیده از همدیگر قابل تفکیک نیست؛ اینکه بحران رخ‌داده (کرونا) جامعه را متاثر کرده و به دنبال آن رسانه‌ها نیز متاثر شده‌اند یا اینکه بحران رخ‌داده در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفته و با اتکا به نظریه برجسته‌سازی، رسانه‌ها جامعه را از بحران مذکور متناوب ساخته‌اند چندان مشخص نیست. این تفکیک‌پذیری نه‌تنها در فرآیند مدیریت بحران پیش‌آمده اهمیت فراوانی دارد، بلکه در تحلیل عملکرد رسانه‌ها و رفتار مردم نیز در مواجهه با بحران کرونا یک ضرورت تلقی می‌شود، چرا که با این تفکیک‌پذیری قادر به تشخیص رویکردها و راهبردهای رسانه‌ای در مواجهه با بحران پیش‌آمده می‌شویم. اینکه رسانه‌ها با اولین نشانه‌های بروز بحران و حتی پیش از اینکه این مخاطره در کشور تبدیل به بحران شود (پیش از ورود کرونا به کشور) به احتمال وقوع آن فکر کرده و برنامه‌ای از پیش تعریف‌شده داشته باشند، نشان از راهبرد فعال و فوق‌فعال یک رسانه و رویکرد تعامل آن دارد که خود حاکی از مترقی بودن عملکرد رسانه در مواجهه با بحران است اما چنانچه رسانه‌ها در مواجهه با بحران پس از واکنش اجتماع و رفتار عمومی جامعه اقدام به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی کرده باشند، حاکی از رویکرد واکنشی و راهبرد انفعالی آنهاست که ضمن اینکه بیانگر پس‌ماندگی رسانه‌ای در مواجهه با بحران است، نقطه منفی مهمی در عملکرد رسانه‌ای آن رسانه تلقی می‌شود. خوشبختانه رفتار رسانه‌های کشور در مواجهه با وقوع بحران کرونا در کشور از نوع راهبرد فعال و رویکرد تعاملی است یعنی با سرعت مطلوب اقدام به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در این زمینه کرده و با تهیه گزارشات و مصاحبه‌های تخصصی اقدام به اطلاع‌رسانی جامع و صحیح پیرامون بحران به وقوع پیوسته کردند. اما آنچه در این بین نیازمند تأمل و توجه است، رعایت توازن و تعادل میان اخبار منفی و مثبت پیرامون بحران است. یعنی اگر چه رسانه‌ها به حکم مسؤولیت اجتماعی‌شان، وظیفه اطلاع‌رسانی سریع، صحیح و جامع بحران را دارند، لکن با اتکا به همان مسؤولیت، وظیفه حفظ و صیانت از روان عمومی جامعه را نیز دارند. به عبارتی، اطلاع‌رسانی در این زمینه و هر بحران دیگری باید با استفاده از تکنیک واقع‌نمایی...

ادامه در صفحه ۴